**بررسی رابطه بین حق­الزحمه حسابرس و بیش برآوردی حقوق صاحبان سهام در شرکت­های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران**

**چکیده**

بیش برآوردی حقوق صاحبان سهام انگیزه­های قوی برای مدیران بوجود می­آورد تا سودی را گزارش کنند که بازار انتظار آن را ندارد. اگر شرکتی به بیش برآوردی بپردازد، اهداف سودآوری غیر واقعی نیز افزایش می­یابد؛ در نتیجه، شرکت­های بیش برآورد شده اقلام تعهدی بیشتری دارند. از طرفی، عوامل مختلفی می­تواند بر حق­الزحمه حسابرسی تاثیرگذار باشند. از جمله این عوامل می­توان به ریسک حسابرسی و پیچیدگی عملیات اشاره کرد.

**هدف:** این پژوهش به بررسی رابطه بین بیش برآوردی حقوق صاحبان سهام و حق­الزحمه حسابرس پرداخته است.

**روش شناسی:** نمونه مورد بررسی شامل 43 شرکت است. برای آزمون فرضیه­های پژوهش روش آماری داد­ه­های ترکیبی بکار رفته است. برای سنجش بیش برآوردی از نسبت P/E استفاده شده است.

**یافته ها:** نتایج پژوهش بیانگر این است که بین بیش برآوردی حقوق صاحبان سهام و حق­الزحمه حسابرس رابطه معنادار وجود ندارد. اما، بین مدیریت سود واقعی در شرکت­های بیش برآورد شده و حق­الزحمه حسابرس رابطه معنادار وجود دارد.

**دانش افزایی:** از آنجایی که بیش برآوردی حقوق صاحبان سهام ریسک سلب مالکیت را افزایش می­دهد، درک اینکه حسابرسان چطور ریسک گزارشگری را که از بیش برآوردی حقوق صاحبان سهام ایجاد می­شود، شناسایی می­کنند، مهم است.

**واژه­های کلیدی:** حق­الزحمه حسابرس، بیش برآوردی و مدیریت سود.

کد طبقه بندی موضوعی: M41

**مقدمه**

بیش برآوردی حقوق صاحبان سهام در شرایطی ایجاد می­شود که قیمت واقعی سهام شرکت از ارزش ذاتی آن بیشتر باشد. با وجود این، اغلب چنین بیش برآوردی به­وسیله دفعات غیرمنطقی[[1]](#footnote-1) به­وجود می­آید و در طولانی مدت پایدار نیست]19[. همانطور که شرکت­ها بیش برآورد می­شوند، فشار بازار برای اهداف غیر واقعی سودآوری نیز بیشتر می­شود و در نتیجه مدیران مجبور به دستکاری سود برای برآوردن انتظارات بازار می­شوند]13[. شرکت­هایی که در چرخه بیش­برآوردی حقوق صاحبان سهام گرفتار می­شوند برای پاسخگویی به تقاضای بازار برای بهبود عملکرد کوتاه­مدت ، در دستکاری اطلاعات گزارش­های مالی می­­پردازند ]10[. حسابرسان نقش مهمی در اطمینان­بخشی از تطبیق گزارش­های مالی طبق اصول پذیرفته شده حسابداری[[2]](#footnote-2) بر عهده دارند و دیدگاه صحیح و منصفانه­ای[[3]](#footnote-3) را ارائه می­دهند. شرکت­های بیش برآورد شده به احتمال زیاد به دستکاری گزارش­های خود می­پردازند و در نتیجه ریسک عدم کشف حسابرسان افزایش می­یابد، انتظار می­رود که حسابرسان برای جبران این ریسک درخواست دستمزد اضافی­نمایند. سوال اساسی این پژوهش این است که آیا بیش برآوردی حقوق صاحبان سهام می­تواند بر حق­الزحمه حسابرسی تاثیر گذارد؟ آیا بین حق­الزحمه حسابرس و دستکاری سود رابطه­ای وجود دارد؟

از آنجایی که بیش برآوردی حقوق صاحبان سهام ریسک سلب مالکیت را افزایش می­دهد، درک اینکه حسابرسان چطور ریسک گزارشگری را که از بیش برآوردی حقوق صاحبان سهام ایجاد می­شود، شناسایی می­کنند، مهم است.

با توجه به مطالب مزبور انتظار می­رود بیش برآوردی حقوق صاحبان سهام بر هزینه­ی حسابرسی تاثیر داشته باشد. بدین منظور، نخست به بررسی مبانی نظری و ادبیات موضوع پرداخته می­شود؛ سپس فرضیه­ها و روش پژوهش مورد بحث قرار می­گیرد. در پایان نیز تجزیه و تحلیل یافته­ها، نتایج، پیشنهادها و محدودیت­های پژوهش ارائه می­شود.

**مبانی نظری**

**حق­الزحمه حسابرسی**

سلطانی (2007) ]22[، حق­الزحمه حسابرسی را به عنوان هزینه­های مربوط به کار حسابرس برای ارائه یک اظهارنظر درباره صورت­های مالی صاحبکار که از تمام جنبه­های با اهمیت طبق اصول پذیرفته شده حسابداری هستند یا خیر، تعریف می­کند. سیمونیک (1980) ]21[،حق­الزحمه­های حسابرسی را بعنوان محصول قیمت هر واحد[[4]](#footnote-4) و مبلغ خدمات حسابرسی ارائه شده به­وسیله موسسه حسابرسی که مدیریت شرکت تقاضا می­کند، تعریف می­کند. چو (1982) ]7[، بیان می­کند که تقاضا برای خدمات حسابرسی در یک شرکت در نتیجه الزامات قراردادی یا رسمی[[5]](#footnote-5) (نهادی) افزایش می­یابد. مطالعات اخیر بیان می­کنند که مدیران تمایل به کاهش هزینه­های نمایندگی به عنوان عامل اصلی حق­الزحمه­های حسابرسی دارند. دی­آنجلو (1981) ] 9[ و واتس و زیمرمن (1983) ]23[، بیان می­کنند تهیه صورت­های مالی حسابرسی شده به عنوان یک هزینه مؤثر در جواب به هزینه­های نمایندگی است. موسسه­های حسابرسی، حق­الزحمه حسابرسی را بر اساس عوامل مختلفی همچون اندازه شرکت، پیچیدگی عملیات و عوامل مؤثر بر ریسک حسابرسی تعیین می­کنند.

حسابرسان به عنوان جزء مهمی از ارکان حاکمیت شرکتی، به­منظور حفظ حقوق سرمایه­گذاران هستند. حسابرسان این اطمینان را ایجاد می­کنند که همه سرمایه­گذاران بطور یکسان مورد حمایت از لحاظ دسترسی به اطلاعات صحیح قرار می­گیرند و اینکه صورت­های مالی طبق الزامات قراردادی هستند]17[.

**بیش برآوردی حقوق صاحبان سهام**

جنسن (2005)]13[ بیان می­کند وقتی که قیمت سهام شرکت بالاتر از ارزش واقعی آن است حقوق صاحبان سهام بیش از واقع ارزیابی شده است. با این تعریف عملکرد شرکت نمی­تواند ارزش سهام را توجیه کند. وقتی که اساساً حقوق صاحبان سهام بیش از واقع ارزیابی می­گردد، این موضوع نیروهای منسجمی را به وجود می­آورد که منجر به کاهش ارزش بخشی یا تمام ارزش شرکت می­گردد و کنترل این نیروها بی­نهایت دشوار است. از نظر جنسن (2005) ]13[ مدیران شرکت­های بیش ارزیابی شده با دو انتخاب روبرو هستند: اول اینکه، می­توانند با بازار ارتباط برقرار، و همه چیز را آشکارا بیان کنند و یا تا تاریخ گزارشگری بعدی منتظر بمانند و عملکردی منفی را گزارش کنند. انتخاب دوم مدیران، این است که اقداماتی را در جهت گزارش عملکرد خود به گونه­ای فراتر از واقعیت انجام دهند. مدیریت سود از جمله چنین اقداماتی است.

**مدیریت سود واقعی**

به طور کلی مدیریت سود از دو طریق انجام می­شود: 1- دستکاری در اقلام تعهدی اختیاری و 2- دستکاری در فعالیت­های واقعی. مدیریت سود واقعی از طریق تغییر در فعالیت­های عملیاتی با هدف گمراه کردن ذی­نفعان انجام می­شود. دستکاری فعالیت­های واقعی بر جریان­های نقدی و در پاره­ای از موارد بر اقلام تعهدی تاثیر می­گذارد]3[. رویچوداری (2006)]16[، مدیریت سود واقعی را به این صورت تعریف می­کند: اعمال مدیریتی که از فعالیت­های عادی تجاری ناشی می­شوند، و در رابطه با هدف اولیه­ی برآوردسازی آستانه­های خاص سود انجام می­پذیرند.

تمایل به دست­یابی به قیت بالای سهام و یا سطح مطلوبی از سود، مدیران شرکت را بر آن می­دارد تا به مدیریت سود روی آورند. شیپر (1989)]20[ در پژوهش خود عنوان کرد مدیریت سود می­تواند فعالیت­های واقعی را نیز شامل گردد. این نوع مدیریت سود از طریق تغییر در فعالیت­های عملیاتی با هدف گمراه­کردن ذی­نفعان انجام می­شود.

به دو دلیل انتظار می­رود، بین اقلام تعهدی اختیاری و ریسک ذاتی حسابرسی، رابطه مثبت وجود داشته باشد؛ اول، با فرض فرصت­طلبی مدیریتی، اقلام تعهدی ابزاری در دست مدیریت برای مدیریت سود گزارش­شده هستند و مدیران اقلام تعهدی را به نفع خودشان دستکاری می­کنند؛ و دوم اینکه، اقلام تعهدی مشکلی برای حسابرسان محسوب می­شوند که با حساب­های پرریسک مثل حساب­های دریافتنی و موجودی­ها مرتبط است]2[.

**پیشینه پژوهش**

با توجه به اینکه در این زمینه پژوهش داخلی وجود ندارد به معرفی پژوهش­های خارجی پرداخته شده است.

رودزکروف و همکاران (2005)، اثرات خطای بیش برآوردی را بر حق­الزحمه حسابرس بررسی و بین این دو متغیر رابطه مثبت پیدا کردند]15[.

ساویکی و شستا (2008)، الگوی مشخصی بین اقلام تعهدی غیرعادی در شرکت­هایی که با نسبت ارزش دفتری به بازار، بیش برآوردی شدند در هیچ یک از صدک­ها (اول، دوم، سوم و چهارم) که بر اساس نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار محاسبه شده بود، پیدا نکردند] 18[.

چی و گوپتا (2009)، به این نتیجه رسیدند که بیش برآوردی ناشی از افزایش درآمد که از طریق مدیریت سود به دست می­آید، بطور منفی با بازده غیر عادی آتی سهام و عملکرد عملیاتی رابطه دارد. این رابطه منفی، هر چه بیش برآوردی بیشتر باشد، بیشتر احساس می­شود]6[.

هومز و اسکانتز (2010) بیان کردند که شرکت­های بیش برآورد شده تمایل به استفاده از اقلام تعهدی اختیاری برای مدیریت سود دارند. همچنین، رابطه معکوس بین جریان نقد عملیاتی و اقلام تعهدی، اگر شرکت بیش از اندازه ارزش­گذاری شده باشد افزایش می­یابد. نتیجه پژوهش آنان بیان می­کند که انگیزه برای مدیریت سود وقتی جریان نقد عملیاتی ضعیف باشد نیز افزایش می­یابد]11[.

حبیب و همکاران (2013)، به بررسی بیش برآوردی حقوق صاحبان سهام و حق­الزحمه حسابرسی پرداختند. نتایج حاکی از وجود یک رابطه مثبت و معنادار بین بیش برآوردی و حق­الزحمه است. حسابرسان در شرکت­های بیش برآورد شده به علت افزایش ریسک حسابرسی حق­الزحمه بیشتری را درخواست می­نمایند]10[.

هومز و همکاران (2017)، به بررسی کیفیت حسابرسی و بیش برآوردی حقوق صاحبان سهام پرداختند. در این پژوهش بیان شده که انگیزه­های مدیریت با حقوق صاحبان بیش برآورد شده در ارتباط است و تمایل حسابرسان را برای کاهش اقلام تعهدی، کاهش می­دهد. نتایج حاکی از وجود رابطه مثبت و معنادار آماری بین اقلام تعهدی اختیاری و معیارهای کیفیت حسابرسی در شرکت­های بیش برآورد شده است. زمانی که شرکتی بیش برآورد شود، اثر کاهشی اقلام تعهدی حسابرسان با کیفیت بالا کاهش می­یابد]12[.

**فرضیه­های پژوهش**

مطابق با پژوهش حبیب و همکاران (2013)]10[ و مبانی نظری مزبور دو فرضیه زیر در نظر گرفته می­شود:

حق­الزحمه حسابرس در شرکت­هایی که حقوق صاحبان سهام خود را بیش برآورد می­کنند، بیشتر است.

حق­الزحمه حسابرس در شرکت­هایی که حقوق صاحبان سهام خود را بیش برآورد می­کنند و سود را دستکاری می­کنند، بیشتر است.

**جامعه آماری**

در پژوهش حاضر، جامعه آماری مورد نظر شامل کلیه شرکت­های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می­باشند. شرکت­ها باید دارای شرایط ذیل باشند:

سال مالی آن­ها منتهی به 29 اسفند باشد.

شرکت­های منتخب جزء شرکت­های واسطه­گری مالی، هلدینگ­ها، لیزینگ­ها و بانک­ها نباشند.

شرکت­های مورد نظر در بازه زمانی، مزبور حسابرسی شده باشند.

اطلاعات مورد نیاز در دسترس باشند.

با در نظر گرفتن شرایط فوق، نمونه آماری پژوهش شامل 43 شرکت می­باشد.

اطلاعات مورد نیاز از اطلاعات عرضه شده توسط موسسه تدبیر پرداز و همچنين صورت­های مالی شرکت­ها و یادداشت­های همراه تهیه شده است.

**متغیرهای پژوهش**

در این پژوهش، از سه دسته متغیرهای وابسته، مستقل و کنترلی استفاده می­شود.

**متغیر وابسته**

حق­الزحمه حسابرس (LNAUDIT): لگاریتم طبیعی حق­الزحمه حسابرسی، طبق پژوهش حبیب و همکاران (2013)]10[.

**متغیرهای مستقل**

بیش برآوردی حقوق صاحبان سهام (OV): مطابق با پژوهش هومز و همکاران (2017) ]12[ و حبیب و همکاران (2013)]10[، یک متغیر دو وجهی است اگر شرکت مورد نظر دارای بالاترین 20 درصد (صدک پنجم)، نسبت P/E باشد برابر با یک است در غیر این صورت برابر با صفر است.

اقلام تعهدی اختیاری (DAC): به صورت زیر محاسبه می­شود:

رابطه (1)

ACC = α0 (1/TAt-1­) + α1 ∆SALESt - ∆RECEIVABLEt + α2 PPEt + α3 ROA t-1 + εt

(طبق پژوهش کوتری و همکاران، 2005 ]14[)

متغیرهای بالا بر دارایی­های سال قبل تقسیم می­شوند.

ACC: کل اقلام تعهدی، TAt-1­: دارایی­های سال قبل، ∆SALES: تغییرات فروش، ∆RECEIVABLE: تغییرات حساب­های دریافتنی، PPE: دارایی­های ثابت، ROA: بازده دارایی­ها

رابطه (2)

ACC=EARN-CFO

EARN: سود عملیاتی

CFO: جریان نقد ناشی از فعالیت­های عملیاتی که = جریان نقد ناشی از فعالیت­های عملیاتی طبق صورت جریان وجه نقد + جریان نقد ناشی از بازده سرمایه­گذاری و سود پرداختی بابت تامین­مالی– جریان نقد مرتبط با مالیات بر درآمد

کل اقلام تعهدی به دو دسته تقسیم می­شوند:

اقلام تعهدی غیراختیاری (NDAC): اقلامی هستند که توسط مدیریت بنگاه و شرکت، بطور موثر قابل کنترل نیستند.

اقلام تعهدی اختیاری (DAC): اقلامی هستند که مدیریت بنگاه و شرکت، توانایی کنترل آن­ها را در کوتاه­مدت دارا می­باشد.

رابطه (3)

ACC=NDAC+DAC

مطابق با پژوهش حبیب و همکاران (2013)]10[، در مدل رگرسیون اول اقلام تعهدی غیر اختیاری ارزش­های تثبت­شده[[6]](#footnote-6) بوده و اقلام تعهدی اختیاری به صورت باقیمانده­ها[[7]](#footnote-7) تعریف می­شوند.

مدیریت سود واقعی (REM) : مدیریت سود واقعی به این صورت محاسبه می­شود (طبق پژوهش بهارمقدم و حسنی­فرد، 1389 ]1[):

مدیریت سود واقعی برابر با ACFO – APROD + AEXP است. ACFO جریان نقد ناشی از فعالیت­های عملیاتی غیرعادی، APROD هزینه­های تولید غیرعادی و AEXP مخارج اختیاری غیرعادی است (رویچوداری، 2006 ]16[).

ACFO از معادله رگرسیونی زیر به دست می­آید:

رابطه (4)

CFO/TAt-1 = α0 (1/TAt-1­) + α1 (SALES/TAt­-1) + α2 (∆SALES/TAt-1) + εt

CFO: جریان نقد ناشی از فعالیت­های عملیاتی، سایر متغیرها قبلا معرفی شده­اند.

ACFO به عنوان باقیمانده­های رگرسیون محاسبه می­­شود. بعد از به دست آوردن باقیمانده­ها، آن­ها در منفی یک ضرب می­شوند (-ACFO). بنابراین هرچه مقدار –ACFO بیشتر باشد، نشان­دهنده افزایش مدیریت سود واقعی است؛ زیرا، دستکاری فروش منجر به کاهش مقدار جریان­های نقدی غیرعادی می­شود. مخارج اختیاری برابر با هزینه­های فروش، عمومی و اداری است. برای محاسبه AEXP از باقیمانده­های مدل رگرسیون زیر استفاده می­شود:

رابطه (5)

EXP/TAt-1 = α0 (1/TAt-1­) + α1 (SALESt-1/TAt­-1) + εt

EXP: هزینه­های اختیاری، سایر متغیرها قبلا معرفی شده­اند.

باقیمانده­ها در عدد منفی یک ضرب می­شوند (-AEXP)، بنابراین هر چه مقدار –AEXP بیشتر باشد، نشان­دهنده افزایش مدیریت سود واقعی است. هزینه­های تولید غیرعادی از جمع بهای تمام شده کالای فروش رفته بعلاوه تغییرات در موجودی (رویچوداری، 2006) ]16[ به دست می­آید. باقیمانده­های مدل رگرسیون زیر برای سنجش APROD مورد استفاده قرار می­گیرد:

رابطه (6)

PROD/TAt-1 = α0 (1/TAt-1­) + α1 (SALES/TAt­-1) + α2 (∆SALES/TAt-1) + α3 (∆SALES­t-1/TA-1) + εt

PROD: هزینه­های تولید (بهای تمام شده کالای فروش رفته)، سایر متغیرها قبلا معرفی شده­اند.

مقدار بیشتر APROD بیانگر افزایش مدیریت سود واقعی است. زیرا وقتی مدیران به طور فرصت­طبانه برای کاهش بهای تمام شده کالای فروش رفته به تولید بیش از اندازه می­پردازند، هزینه­های تولید به طور غیرعادی افزایش می­یابند.

**متغیرهای کنترلی**

اندازه شرکت (LNAT): لگاریتم طبیعی ارزش بازار شرکت، مطابق با پژوهش هومز و همکاران (2017)]12[ و حبیب و همکاران (2013)]10[.

اهرم مالی (LEV): اهرم عملیاتی، مطابق با پژوهش هومز و همکاران (2017)]12[ و حبیب و همکاران (2013)]10[.

زیان(LOSS): مطابق با پژوهش حبیب و همکاران (2013)]10[، اگر شرکت دارای زیان خالص باشد عدد یک را اختیار می­کند، در غیر این صورت عدد صفر را اختیار می­کند.

**مدل آزمون فرضیه­ها**

برای تعیین تاثیر بیش برآوردی حقوق صاحبان سهام بر حق­الزحمه حسابرس، از دو مدل رگرسیونی ذیل استفاده می­شود که شامل معیار بیش برآوردی و متغیرهای کنترلی برای تعیین حق­الزحمه حسابرس طبق پژوهش­های قبلی (سیمونیک،1980 ]2[؛ کراسول و همکاران، 1995 ]8[؛ اشباغ و همکاران، 2003 ]4[ و ویسنت و همکاران، 2003 ]24[) است:

مدل اول:

LNAUDITt = β0 + β1OVt + β2DACt + β3REMt + β4LNATt + β5LEVt + β6ARINVt + β7LOSSt + εt

مدل دوم:

LNAUDITt = β0 + β1OVt + β2DACt + β3REMt + β4 DACt\*OVt + β5 REMt\*OVt + β6 LNATt + β7 LEVt +β8ARIVNt + β9LOSSt + εt

برای آزمون فرضیه اول و دوم به ترتیب از مدل­های اول و دوم استفاده می­شود.

به منظور بررسی معناداری کل الگو از آماره F و برای بررسی معناداری ضریب متغیرهای مستقل در الگو از آماره t استفاده است.

**روش گردآوری داده­ها**

در این پژوهش برای جمع­آوری داده­ها و اطلاعات مورد نیاز، از روش کتابخانه­ای استفاده شد. روش کتابخانه­ای بدین معنی است که مبانی نظری پژوهش از کتب و مجلات تخصصی لاتین و فارسی گردآوری گردیدند. سپس داده­های پژوهش از طریق جمع­آوری داده­های شرکت­های منتخب با مراجعه به صورت­های مالی، یادداشت­های توضیحی و استفاده از نرم افزار تدبیرپرداز انجام گردید. محاسبات انجام شده در این پژوهش با استفاده از نرم­افزار1.EViews7 انجام شده است.

**یافته­های پژوهش**

آمار توصیفی حاصل از پژوهش در جدول شماره يك ارائه شده است:

جدول شماره 1: آماره­های توصیفی متغیرهای پژوهش

|  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| ارقام به میلیون ریال | میانگین | میانه | بیشینه | کمینه | انحراف معیار | چولگی | کشیدگی |
| حق­الزحمه حسابرس | 6648/5 | 6276/5 | 0567/8 | 9957/2 | 6982/0 | 4130/0 | 7816/4 |
| بیش برآوردی حقوق صاحبان سهام | 2765/0 | 0 | 1 | 0 | 448/0 | 9992/0 | 9985/1 |
| اقلام تعهدی اختیاری | 0053/0 | 01/0 | 2513/3 | 7789/3- | 4391/0 | 4123/1- | 4941/33 |
| مدیریت سود واقعی | 6301/9 | 87/5 | 309 | 5/37- | 9198/24 | 6144/7 | 7383/79 |
| اندازه شرکت | 2430/12 | 0881/12 | 2060/17 | 4317/8 | 3765/1 | 7391/0 | 9674/4 |
| اهرم مالی | 6/0 | 6328/0 | 6744/2 | 0 | 2912/0 | 9829/0 | 7697/10 |
| نسبت حساب­ دریافتنی و موجودی کالا به دارایی­ها | 5111/0 | 55/0 | 92/0 | 0 | 209/0 | 5485/0- | 4282/2 |
| زیان | 0996/0 | 0 | 1 | 0 | 3/0 | 6726/2 | 1429/8 |

منبع: نتایج پژوهش محقق

آزمون چاو ، به منظور انتخاب از بین روش داده­های مشترک و روش اثرات ثابت انجام شده است ]5[. نتایج حاصل از این آزمون در جدول شماره 2 آورده شده كه بیانگر استفاده از روش اثرات ثابت می­باشد:

جدول شماره 2: نتایج آزمون چاو

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
|  | آماره | سطح اطمینان |
| فرضیه اول | 360171/7 | 0.000 |
| فرضیه دوم | 928456/6 | 0.000 |

منبع: نتایج پژوهش محقق

سپس برای انتخاب از بین روش اثرات ثابت و اثرات تصادفی، آزمون هاسمن اجرا شد. نتایج این آزمون نیز به شرح جدول شماره 3 مي­باشد كه و لزوم استفاده از روش اثرات ثابت را برای فرضیه اول تایید می­نماید:

جدول شماره 3: نتایج آزمون هاسمن

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
|  | آماره | سطح اطمینان |
| فرضیه اول | 066878/55 | 000/0 |
| فرضیه دوم | 016426/7 | 6354/0 |

منبع: نتایج پژوهش محقق

سپس آزمون بروش پاگان ، انجام شد.هدف از انجام این آزمون تعیین وجود اثرات تصادفی در داده­ها یا استفاده از روش داده­های مشترک است]5[. نتایج این آزمون نیز در جدول شماره 4 ارائه شده است كه لزوم استفاده از روش اثرات تصادفی را برای فرضیه دوم نشان می­دهد:

جدول شماره 4: نتایج آزمون بروش پاگان

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
|  | آماره | سطح اطمینان |
| فرضیه دوم | 554044/8 | 0.000 |

منبع: نتایج پژوهش محقق

**نتایج آزمون فرضیه­ها**

**نتایج آزمون فرضیه اول**

بین حق­الزحمه حسابرس و بیش برآوردی حقوق صاحبان سهام رابطه معناداری وجود دارد.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول با استفاده از مدل رگرسیون حداقل مربعات معمولی به روش اثرات تصادفی در جدول شماره 5 ارائه شده است. همانطور که ملاحظه می­شود، مقدار آماره F و سطح معناداری مربوط به این آماره، بیانگر این است که مدل­های رگرسیون در کل معنادار هستند.

جدول شماره 5: نتایج آزمون فرضیه اول

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| سطح اطمینان | آماره t | ضریب | متغیر |
| 112/0 | 591766/1- | 129536/0- | OV |
| 576/0 | 558938/0- | 044547/0- | DAC |
| 073/0 | 793468/1 | 002718/0 | REM |
| 000/0 | 642671/7 | 198575/0 | LNAT |
| 552/0 | 594761/0 | 089407/0 | LEV |
| 124/0 | 542396/1- | 264822/0- | ARIVN |
| 847/0 | 193146/0 | 023083/0 | LOSS |
| دوربین واتسون (AR1) | 388126/2 | ضریب تعیین تعدیل شده (AR1) | 582685/0 |

منبع: نتایج پژوهش محقق

ضریب برآورد بیش برآوردی در سطح خطای 5 درصد معنادار نبوده و سطح معناداری بزرگتر از سطح خطاست. لذا در سطح اطمینان 95 درصد بین این متغیر و حق­الزحمه حسابرس رابطه معناداری وجود ندارد. همچنین، بین متغیرهای کنترلی فقط اندازه شرکت از لحاظ آماری معنادار است. ضریب تعیین تعدیل شده معیاری برای سنجش قدرت تبیین مدل رگرسیون است که برابر با 58 درصد و آماره دوربین واتسون هم دلالت بر عدم وجود خود همبستگی بین متغیرها دارد و برابر با 3/2 که مناسب، است.

**نتایج آزمون فرضیه دوم**

بین حق­الزحمه حسابرس در شرکت­های بیش برآورد شده و دستکاری سود رابطه معناداری وجود دارد.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول با استفاده از مدل رگرسیون حداقل مربعات معمولی به روش اثرات تصادفی در جدول شماره 6 ارائه شده است. همانطور که ملاحظه می­شود، مقدار آماره F و سطح معناداری مربوط به این آماره، بیانگر این است که مدل­های رگرسیون در کل معنادار هستند.

جدول شماره 6: نتایج آزمون فرضیه دوم

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| سطح اطمینان | آماره t | ضریب | متغیر |
| 075/0 | 782874/1- | 159235/0- | OV |
| 868/0 | 165269/0 | 015040/0 | DAC |
| 186/0 | 324564/1- | 009472/0- | REM |
| 18/0 | 342728/1- | 231320/0- | DAC\*OV |
| 086/0 | 722797/1 | 012912/0 | REM\*OV |
| 000/0 | 237592/7 | 196879/0 | LNAT |
| 824/0 | 222007/0 | 032727/0 | LEV |
| 302/0 | 032818/1- | 183539/1- | ARVIN |
| 858/0 | 179009/0- | 023907/0- | LOSS |
| دوربین واتسون (AR1) | 379216/2 | ضریب تعیین تعدیل شده (AR1) | 583519/0 |

منبع: نتایج پژوهش محقق

ضریب برآورد بیش برآوردی در سطح خطای 10 درصد معنادار بوده و سطح معناداری کوچکتر از سطح خطاست. لذا در سطح اطمینان 90 درصد بین این متغیر و حق­الزحمه حسابرس رابطه معناداری وجود دارد. همچنین، ضریب برآورد REM\*OV در سطح خطای 10 درصد معنادار بوده و بین این متغیر و حق­الزحمه حسابرس رابطه معناداری وجود دارد. اما، ضریب برآورد DAC\*OV در هیچ سطح خطایی معنادار نبوده در نتیجه بین این متغیر و حق­الزحمه حسابرس رابطه معناداری وجود ندارد. ضریب تعیین تعدیل شده برابر با 58 درصد و آماره دوربین واتسون برابر با 3/2 می­باشد.

**نتیجه­گیری**

در این پژوهش به بررسی تاثیر بیش برآوردی حقوق صاحبان سهام بر حق­الزحمه حسابرس پرداخته شد.

یافته­های حاصل از فرضیه اول حاکی از این است که بین حق­الزحمه حسابرس و بیش برآوردی رابطه معناداری وجود ندارد. نتیجه این فرضیه مغایر با نتیجه پژوهش حبیب و همکاران (2013)]10[ است. آن­ها در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که حسابرسان به علت افزایش ریسک ناشی از بیش برآوردی درخواست افزایش دستمزد می­کنند. یکی از دلایل مغایرت نتیجه این فرضیه با نتیجه حبیب و همکاران (2013)]10[، می­تواند عدم توجه حسابرسان به ریسک حسابرسی و ارتباط آن با حق­الزحمه حسابرسی باشد. افزایش حق­الزحمه حسابرس و تلاش­های مربوط به حسابرسان، می­تواند از افزایش ریسک عدم کشف این شرکت­ها ناشی شود.

یافته­های حاصل از فرضیه دوم حاکی از این است که بین حق­الزحمه حسابرس در شرکت­های بیش برآورد شده و دستکاری سود رابطه معناداری وجود دارد. همانطور که نتایج جدول شماره 2 نشان می­دهد بین حق­الزحمه حسابرس در شرکت­های بیش برآورد شده و مدیریت سود واقعی رابطه معنادار وجود دارد. نتایج این فرضیه منطبق با نتیجه حبیب و همکاران (2013)]10[ است.

**پیشنهادها**

**الف. پیشنهادهای مبتنی بر نتایج پژوهش**

با توجه به نتایج به دست آمده از فرضیه اول پیشنهادهای زیر ارائه می­شوند:

به سرمایه­گذاران در بورس اوراق بهادار پیشنهاد می­شود در هنگام سرمایه­گذاری به وجود یا عدم وجود بیش برآوردی در شرکت­ها توجه کنند.

به حرفه حسابرسی توصیه می­شود به ارتباط بین تلاش­های حسابرسان و ریسک تجاری توجه کند.

**ب. پیشنهاد برای پژوهش­های آتی**

انجام این پژوهش با سایر معیارهای بیش برآوردی (نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار و بازده غیرعادی).

انجام این پژوهش با سایر متغیرهای کنترلی ( اندازه موسسه حسابرسی و رشد شرکت)

**محدودیت­های پژوهش**

این پژوهش همانند سایر پژوهش­ها دارای محدودیت­هایی به شرح ذیل می­باشد:

مهمترین محدودیت این پژوهش در دسترس نبودن اطلاعات کامل حق­الزحمه حسابرس در مورد شرکت­های بیشتر بود که بر روی نتایج تاثیر گذاشته است.

در صورتی که قلمرو زمانی پژوهش دوره طولانی­تری در نظر گرفته می­شد، ممکن بود نتایج قابلیت تعمیم بیشتری داشت.

**منابع**

1. بهارمقدم، مهدی و حبیبه حسنی­فرد. (1389). " بررسي رابطه بين رويدادهاي مالي واقعي و مديريت سود در شركت­هاي پذيرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، *تحقیقات حسابداری و حسابرسی*، سل دوم، ش 6، صص 162-136.
2. حساس­یگانه، یحیی؛ قاسم بولو و فاطمه فرخی­نژاد. (1389). "رابطه بین اقلام تعهدی اختیاری و گزارش حسابرس"، *دانش حسابرسی*، ش 3، صص 21-6.
3. زهرا ولی­زاده لاریجانی. (1387). "نتایج مدیریت واقعی سود"، پایان­نامه منتشر نشده، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد دانشگاه الزهرا.
4. Ashbaugh, H., LaFond, R., & Mayhew, B. W. (2003). “Do Nonaudit Services Compromise Auditor Independence? Further Evidence”. **The Accounting Review**, *78*(3): 611-639.
5. Baltagi, andBadi, h. (2005) *Econometric Analysis of Panel Data*, 3rd Edition, Great Britain, John Wiley and Sons Ltd.
6. Chi, J. D., & Gupta, M. (2009). “Overvaluation and Earnings Management”. **Journal of Banking & Finance**, 33(9): 1652-1663.
7. Chow, C.W. (1982). “The Demand for External Auditing: Size, Debt and Ownership influences”. **The Auditing Review** 57 (2): 272–291.
8. Craswell, A. T., Francis, J. R., & Taylor, S. L. (1995). “Auditor Brand Name Reputations and Industry Specializations”. **Journal of accounting and economics**, *20*(3): 297-322.
9. DeAngelo, L.E. (1981). “Auditor Size and Audit Quality”. **Journal of Accounting and Economics***,* 3 (4): 183–199.
10. Habib, N., Gong, R. and Hossain, M. (2013). “Overvalued Equities and Audit Fees: a Research Note”, **Managerial Auditing Journal**, 28(8): 755-776.
11. Houmes, R. E., & Skantz, T. R. (2010). “Highly Valued Equity and Discretionary Accruals”. **Journal of Business Finance & Accounting**, 37(1‐2): 60-92.
12. Houmes, R., Foley, M., & Cebula, R. J. (2017). “Audit Quality and Overvalued Equity”. **Accounting Research Journal**, 26(1): 56-74.
13. Jensen, M. (2005). “Agency Costs of Overvalued Equity”. **Financial Management**, 34: 5-19.
14. Kothari, S. P., Leone, A. J., & Wasley, C. E. (2005). “Performance Matched Discretionary Accrual Measures”. **Journal of accounting and economics**, 39(1): 163-197.
15. Rhodes–Kropf, M., Robinson, D. T., & Viswanathan, S. (2005). “Valuation Waves and Merger Activity: The Empirical Evidence”. **Journal of Financial Economics**, 77(3): 561-603.
16. Roychowdhury, S. (2006). “Earnings Management Through Real Activities Manipulation”. **Journal of Accounting and Economics**, 42(3): 335-370.
17. Rustam, S., Rashid, K., & Zaman, K. (2013). “The Relationship between Audit Committees, Compensation Incentives and Corporate Audit Fees in Pakistan**”. Economic Modelling**, 31: 697-716.
18. Sawicki, J., & Shrestha, K. (2008). “Insider Trading and Earnings Management”. **Journal of Business Finance & Accounting,** *35*(3‐4): 331-346.
19. Schiller, R. J. (2000). The Irrational Exuberance, Princeton University Press, Princeton, NJ.
20. Schipper, k. (1989). “Commentary on Earnings Management”. **Accounting Horizon** 3: 91-102.
21. Simunic, D. A. (1980). “The Pricing of Audit Services: Theory and Evidence”. **Journal of accounting research**, 18(1): 161-190.
22. Soltani, B. (2007). Auditing: An International Approach. Pearson Education Limited, Essex, England.
23. Watts, R., Zimmerman, J. (1983). “Agency Problems, Auditing, and Theory of the Firm: Some Evidence”. **Journal of Law and Economics***,* 26 (1): 613–634.
24. Whisenant, S., Sankaraguruswamy, S., & Raghunandan, K. (2003). “Evidence on the Joint Determination of Audit and Non‐Audit Fees”. **Journal of Accounting Research**, 41(4): 721-744.

**Overvalued equity and audit fees**

**Abstract**

Overvalued equity provides a strong incentive for managers report earnings that do not disappoint the market. If a firm becomes more overvalued, unrealistic earnings targets becomes greater; therefore, highly valued firms have significantly higher discretionary accruals. There are various factors that can affect the audit fees. These factors include audit risk, complexity of operations. This research examined the relationship between audit fees and overvaluation equity. Our sample consists of 43 companies. To test the hypothesis the statistical methods of panel data was used. To assess the overestimation of P / E ratios are used. The findings indicate that the overvaluation of equity and audit fees there is no significant relationship. But there is a significant relationship between audit fees and real earnings management in overvalued companies.

**Key words**: audit fees, overvaluation and earnings management.

**JEL Classification:** M41

1. Irrational Exuberance [↑](#footnote-ref-1)
2. Generally Accepted Accounting Principles (GAAP) [↑](#footnote-ref-2)
3. True & Fair [↑](#footnote-ref-3)
4. Product of Unit Price [↑](#footnote-ref-4)
5. Institutional [↑](#footnote-ref-5)
6. Fitted value [↑](#footnote-ref-6)
7. Residuals [↑](#footnote-ref-7)